# امکان پذیری جلوگیری از حملات تروریستی

محمد هدایت

ریاست عمومی امنیت ملی با انتشار خبرنامه ای از جلوگیری از حملات تروریستی و انتحاری در ولایت پروان خبر داده است که این نهاد از سوی گروه حقانی در آن سوی مرزهای کشور طراحی شده است. بر اساس این اعلامیه مطبوعاتی که دیروز به دفتر روزنامه افغانستان نیز رسیده است، شبکه تروریستی حقانی پلان داشته است تا با استفاده از یک موتر بم و چند تن افراد انتحاری حمله بزرگ انفجاری و تهاجمی را در دفتر والی پروان و حمله دیگر را در ولایت ننگرهار سازماندهی نماید. اما به گفته ریاست امنیت ملی عاملان این حملات تروریستی را همراه با مقدار زیادی سلاح و مهمات از ناحیه پانزدهم شهر کابل بازداشت کرده و از حملات تروریستی در دو ولایت کشور جلوگیری بعمل آورده است.

بدون تردید این اقدام امنیت ملی کشور و نیروهای تحت امر آن یک دستاورد بزرگ به حساب می آید و مهم تر آن که نشان دهنده امکان پذیر بودن جلوگیری از حملات تروریستی و انتحاری و در نهایت نشانه موفقیت نیروهای امنیتی کشور در برابر دشمنان مردم است. این اولین بار نیست که امنیت ملی به چنین دستاوردی نایل می گردد بلکه در گذشته ها نیز دستاوردهای کشفی و خنثی سازی توطیه های تروریستی دشمن عمده بوده است. اما علی رغم این دستاوردها به خصوص در طی یک سال گذشته حملات مرگباری در سراسر افغانستان از جمله در کابل صورت گرفت. شاید سال گذشته از لحاظ تعداد حملات تروریستی و هم چنین خسارت های جانی مردم بی دفاع و نیروهای امنیتی در شهر کابل، بسی تلخ تر از سال های دیگر بوده است. نوع حملات تروریستی و انتحاری سال گذشته و نقاطی که مورد حمله قرار گرفته اند، به گونه ای بوده است که شاید با اتخاذ تدابیر بیشتر و بهتر ما شاهد آن همه فجایع انسانی نبودیم. شاید نهادهای امنیتی و کشفی در شهر کابل می توانستند از بسیاری از حملات سال گذشته جلوگیری می کردند و امروز بسیاری از خانواده های داغدیده در فقدان عزیزان شان نمی سوختند. کثرت حملات تروریستی سال گذشته و هم چنین کثرت قربانیان آن حملات گویای آن است که قصوری بوده است، وگرنه ما شاهد آن همه کشتار و خونریزی آن هم در داخل شهر کابل نبودیم. اگرچه تروریست ها و نیز حامیان منطقه ای آنان از آخرین تاکتیک ها برای انجام حملات تروریستی علیه مردم و دولت افغانستان استفاده می کنند، ولی نیروهای امنیتی افغانستان با توجه به شناختی که از دشمن دارند، می توانند در بسیاری از موارد آن ها را زمین گیر کنند. چنان که بارها و از جمله در اقدام تازه ریاست عمومی امنیت ملی اتفاق افتاده است. در خبرنامه ریاست امنیت ملی از شبکه حقانی نام برده شده و گفته شده است که عاملان حملات تروریستی نافرجام در ولایت پروان و ننگرهار از افراد شبکه حقانی بوده اند. اما واقعیت این است که تقریبا تمام حملات انتحاری و تروریستی که در خاک افغانستان صورت می گیرد، در جای واحد و توسط شبکه های مرتبط با هم طراحی و اجرا می گردد. علی رغم تبلیغات دشمن مبنی بر حضور داعش در افغانستان و موجودیت این گروه در پشت بسیاری از حملات سال گذشته، واضح است که حملات تروریستی در افغانستان با هدف واحد و از سوی منبع واحد انجام می یابند. بسیاری از کسانی که در سال گذشته حملات انتحاری و تروریستی را به نام داعش انجام داده اند، عضو اصلی گروه های تروریستی چون شبکه حقانی و یا طالبان هستند. از این رو ارگان های کشفی و امنیتی افغانستان هم با بسیاری از گروه ها و عناصر تروریست و هم با بسیاری از شیوه های عمل تروریستی آن ها و نیز با جغرافیای حضور تروریست ها آشنایی دارند. مهم تر این که از اهداف اصلی گروه های تروریستی و نیز حامیان آنان نیز آگاهی دارند. بنابراین نوع مبارزه با تروریسم و جلوگیری از حملات انتحاری و تروریستی برای نیروهای امنیتی کشور، تا حدودی آسان و در نهایت امکان پذیر است. اکنون که اراده قوی برای مبارزه با دشمنان مردم در سطح سران حکومت وجود دارد و بسیاری از ابهامات موجود در شناخت دوست و دشمن رفع گردیده است، برای جلوگیری از حملات تروریستی و انتحاری تنها کمی تدبیر و تعهد به انجام وظایف از سوی ارگان های کشفی و امنیتی لازم است.

# ناکارآمدی پایان نامه‌های دانشگاهی

محمد باقریان

نوشتن پایان نامه‌ی تحصیلی، رسم معمول در تمام دنیا است. دانشجویان در سراسر جهان هنگامی که درس شان را به پایان می‌رسانند، برای اثبات مهارت و یا دانشی که فرا گرفته اند، به نگارش پایان نامه وا داشته می‌شوند. با نوشتن پایان نامه دانشجو عملا نشان می‌دهد که دانش یا مهارتی را یادگرفته و حالا می‌تواند با این مهارت به خود و جامعه اش کمک کند. شایان ذکر است که در کشورهای دیگر، نگارش پایان نامه به اساس روش علمی و تحقیق دقیق و هدفمند انجام می‌شود.

نگارش پایان نامه در دانشگاه‌ها، دارالمعلمین‌ها و انستیتوت‌های افغانستان خیلی متفاوت است. انگیزه‌ی پژوهش و نگارش پایان‌نامه به اساس روش علمی یک بحث غریب و بیگانه در دانشگاه‌ها و دارالمعلمین کشورما است. نگارش پایان نامه‌ی علمی با معیارهای جهانی در دانشگاه‌های کشور ما وجود ندارد و اگر باشد هم خیلی اندک است. اکثر دانشجویان همان پایان نامه‌های غیرعلمی و سراپا کنده را هم خود شان تهیه نمی‌کنند. دانشجویان بیش از پیش در تلاش خریدن یک پایان نامه هستند تا بتوانند خودشان را به هر نحوی ممکن از این مرحله عبور دهند.

خرید و فروش پایان نامه در داخل دانشگاه به یک امر معمول و عادی تبدیل شده است. در فصل خزان آگهی‌های که برای دانشجویان پایان نامه تهیه کنند به دروازه‌ی هر دانشگاه و دانشکده نصب می‌شوند و از فروش و تهیه‌ی پایان نامه برای دانشجویان مژده می‌دهند. بنابر این تعداد زیادی از دانشجویان پایان نامه‌های شان را خریداری می نمایند و به خود شان زحمت تحقیق را نمی‌دهند. وقتی این پایان نامه ها با چالشی روبرو نمی‌شوند و بی‌هیچ سخنی پذیرفته می‌شوند؛ بنابر همین دلیل روند خرید و فروش پایان نامه‌ی تحصیلی روز به روز پر رنگ‌تر می‌گردد. تبادله پایان نامه‌ها بین دانشجویان دانشگاه‌های کشور نیز یک امر معمول شده است. پایان نامه‌ی که یک بار در دانشگاه کابل نوشته شده است، در چندین دانشگاه دیگر نیز فرستاده می‌شود و بی‌هیچ مشکلی به عنوان پایان نامه‌ی تحصیلی قبول می‌شود.

محتوای پایان نامه‌ها بیشتر شان، واقعا با جهان دانش بیگانه است. پژوهش در یک رشته ویا یک موضوع به این سبب صورت می‌گیرد تا پدیده‌ی مجهولی، معلوم گردد یا یک پدیده‌ی ناشناخته، شناخته شود و زاویه‌ی تاریک یک موضوع روشن شود. با این پیش‌فرض ها پژوهنده یک تحقیق منظم و هدفمند را انجام می‌دهد و در نهایت با روشن نمودن یک پدیده‌ی ناروشن به دنیای علم خدمت و کمک می‌کند. تاریکی‌یی را روشن می‌سازد. راهی را نشان‌می دهد که کسی آن راه را ندیده و نرفته است؛ اما در افغانستان نگارش پایان نامه به این سبک و سیاق یا هیچ نیست یا خیلی کم است. در سرزمین ما دانشجویان با نوشتن پایان نامه‌های شان به سوی ناشناخته‌ها نمی‌روند؛ بلکه شناخته‌ها را تکرار می‌کنند. سخنی نو در عرصه‌ی دانش نمی‌زنند؛ بلکه گفته‌های دیگران را طوطی‌وار بیان می‌نمایند. به سوی یک مجهولی به غرض معلوم کردن آن گام بر نمی‌دارند؛ بلکه پا جای پای دیگران می‌گذارند. به طور نمونه کسی پیرامون «عشق در مثنوی مولانا» پایان نامه می‌نویسد، بعد همان چیزهای را می‌آورند که دیگران گفته است و در این با آن کتاب دیده و خوانده است. غیر این یک واژه خودش اضافه نمی‌کند؛ به دلیل اینکه هیچ‌گاهی خودش را غوطه ور در مثنوی نمی‌سازد که باتامل و تفکر در مثنوی و تحلیل و جمع بندی دیدگاه دیگران ،عشق را در مثنوی فهم کند و توضیح دهد. تا سرانجام با تحلیل و دسته بندی به یک نتیجه و دیدگاهی برسد که برآمده از برآیند تحقیق وی باشد. و این شیوه‌ی پایان نامه نویسی اگر تغییر نکند و بهبودی در پژوهش دانشجویان دانشگاه نیاید، بدون شک ما قرن ها همچنان بی‌سواد و از دانش دور می مانیم. بد فهمی نشود که نگارنده به این فکر نیست که محقق از منابع استفاده نکند و سخن دیگران را نیاورد؛ بل هدفم این است که با خوانش، جمع‌آوری و دسته بندی همه دیدگاها، محقق خودش به یک نتیجه‌ی که از تحقیق خودش برآمده دست یابد. نه اینکه از«الف» تا «یای» تحقیقش نقل از دیگران باشد. و شوربختانه تعداد زیادی از پایان نامه‌ها از همین نوع است.

چرا اینگونه هست؟ علت این نوع برخورد دانشجویان با پایان نامه‌ها در چیست؟ به برداشت من چند دلیلی خیلی مهم دارد: اول: برخورد و بررسی استادان رهنما با پایان نامه‌ی دانشجویان کاملا صوری است. استادان رهنما وقتی پایان نامه را نگاه می‌کنند فقط ساختار بیرونی آن را می‌بینند و به یک مسأله خیلی اندک ساختاری خرده‌گیری می‌نمایند. به طور مثال می‌گویند مقدمه از وسط صفحه شروع نشده؛ سال چاپ منابع در آخر نیامده؛ فلان عنوان برجسته نیست؛ در پیشگفتار از من سپاسگزاری کن و ده‌ها مورد بسیار عجیب و غریب دیگر. همه دانشجویان این را می دانند که اکثر استادان هیچ‌گاهی به سراغ محتوای پایان نامه‌ی یک دانشجو نمی‌روند تا ببینند که دانجشو در متن چه گفته است؟! آیا دانشجو موضوع مورد تحقیق را دریافته است یا خیر؟ اگر دانشجویی در بین پایان نامه‌اش استاد رهنمایش را سخن بد و بی‌راه بگوید، همان پایان نامه از طرف استاد که اهانت شده امضا و تایید می‌شود؛ به دلیل اینکه استاد محترم هیچ گاهی نگاهی به محتوا و مفهوم و متن نمی‌کند. دوم: ناآشنایی دانشجو با روش تحقیق علمی و بروز. بسیاری از دانشجویان چیزی از پژوهش نمی‌دانند؛ ولی پایان نامه می‌نویسند، معلوم است که در چنین وضعیتی امکان نگارش پایان نامه علمی و کارا بعید است. چطور ممکن است که دانشجوی که الفبای تحقیق را نمی‌داند برود تحقیق نماید و راجع به یک موضوعی پایان نامه بنویسد؟ مثل این است که از یک فردی که آب بازی را نمی‌داند بخواهیم که دریک بحری آب بازی کند. معلوم است که نتیجه‌ی این چه می‌شود.

علت اینکه چرا دانشجویان پژوهش را نمی‌داند چندین عامل می‌تواند باشد: ۱ـ برای تعدادی زیادی از دانشجویان درس روش تحقیق هیچ تدریس نمی‌شود. به طور نمونه؛ در برنامه‌ی درسی دیپارتمنت دری دارالمعلمین‌ها، مضمونی به نام روش تحقیق گنجانیده نشده. دانشجویان این بخش بی اینکه چیزی از تحقیق بفهمد به نوشتن پایان نامه می‌پردازد و این نا ممکن است. ۲ـ برای بخشی دیگری از دانشجویان روش تحقیق خوب فهم و هضم نمی‌شود. به همین دلیل پژوهش و نگارش پایان نامه با معیار علمی برای‌شان ممکن نیست. قابل یادآوری است که تعدادی از استادان و دانشجویان فرزانه وجود دارد که بی‌نهایت تلاش و دقت نموده نردبان علم را پله به پله می‌پیمایند و با معیار و دقت تمام پژوهش‌های خیلی دقیق انجام می‌دهند که این جمع خیلی کم ولی خیلی عزیز اند. این را یاد آوری نمودم تا اینکه تصور نشود که من به طورمطلق برهرچه دانشجو و استاد است برشوریده‌ام.

موضوع دیگر اینکه سرنوشت پایان نامه‌های نوشته شده چه می‌شود؟ چقدر از آنها به عنوان منبع کارگرفته می‌شود؟ پاسخ این پرسش‌ها خیلی روشن است. همگان می‌دانند که این پایان نامه‌ها پس از نوشتن دست نخورده باقی می‌ماند. به عبارت دیگر کاملا فراموش می‌شود. دیگر کسی سراغ آنها را نمی‌گیرند. در تاقچه‌های کتابخانه‌های دانشکده‌ها می پوسد و سرانجام به زباله دانی انداخته می‌شود بی آنکه کوچکترین بهره‌ی از آنها گرفته شود.

در پایان امید می‌رود که نهادها و افراد مسوول برای بهبود وضعیت دانش در کشور، به این موضوع دقت کنند تا بیش از این شاهد آشفتگی، پراگندگی، بی نظمی وسرگشتگی علم و موضوعات علمی نباشیم و خرد و فرزانگی و دانش در کشور ما غریب نباشند. از آنجا که دانش شاه‌کلید حل تمام مشکلات ماست، تا به دانش توجه نشود، بهبود در وضعیت ما نخواهد آمد با روند فعلی وضعیت فردای ما بدتر خواهد شد.

# مارکو؛ خبرنگاری که برای بامیانی‌ها مکتب می سازد

نوروز رجا

همانند کبوتر سپید بال نشسته، نفسش را درسینه قید کرده، چشمان نافذش را به فیته «نوار» که دم درب تعمیر کشیده شده دوخته بود. با ساییدن دم قیچی روی آن فیته گلزدهی خوش خال و رنگ صدای چک چک کف زدن بلند شد ویازدهمین زنگ به صدا درآمد.

اوکه تا آن روز هرگز زیر سقف و بالای چوکی درس نخوانده بود، از جا بلند شد، چند قدم پیش رفت، دسته گل وحشی را که تازه صبحگاه همان روز با انگشتان ترکیده اش از تپه های اطراف مکتب چیده بود به پیرمرد سرسفید که تاهنوز یک سر فیته را در دست داشت تقدیم نمود.

نیکبخت همانگونه که لبخند ملیحی چون شگوفه نسترن به لب داشت، چشمان بادامی اش را به چشمان آبی آن مرد پیر دوخته بود، بالهجه کودکانه اش گفت:» کاکا! کاکا! خوشحالم که برای ما مکتب ساختی و ما بعد از این در داخل مکتب بالای چوکی درس میخوانیم!»

مارکو نیادو، پیرمرد سر سفید ۶۴ ساله خارجی درحالی که لبخند سرشار از عشق و شادی به لبانش موج میزد، با صدای گیرایش افتتاح تعمیرمکتب «میان کاوک» را که در حدود مرزی ولایت‌های بامیان، غور و دایکندی موقعیت دارد به جمعیتی که آنجا جمع شده بود تبریک گفت.

وی همانطور که طرف مردان و زنان آفتاب زده ای که گویا سال‌ها رنج گرسنگی کشیده اند دست تکان میداد افزود» آدم‌ها می‌توانند خوشی های زندگی خود را باهم تقسیم کنند، من در زندگی خود آدم خوشبختی بودم؛ خواستم خوشی‌های خود را با شما که در دورترین نطقه بامیان زندگی می‌کنید، شریک سازم».

مارکو، زمانی به یاد تقسیم نمودن خوشی‌هایش با دیگران افتاد که در سال ۲۰۰۴ در جشن پنجاهمین سال تولد همسرش «ماریا» در بند امیر آمده بود. آن جشن فراموش ناشدنی را فیلیپو دوستِ «خانم ماریا» کارمند یکی از مؤسسات «ملل متحد» تدارک دیده بود.

جواد وفا، رییس مؤسسه شهدا، همکار کمیته «ارغوشه» که آن پیرمرد سرسفید و همکارش مصطفی حسینی را همراهی می کرد گفت:» مارکو نیادو یک ژورنالیست است، وی از شهر میلانوی ایتالیا و دارای یک فرزند پسر می باشد، این خانواده سه نفری که هم اکنون در لندن زندگی میکنند طی ۱۱ سال گذشته خوشی‌هایش را با شما تقسیم کرده است».

وفا همچنانکه تحت تأثیر چهره‌های چروک برداشته، دستان ترکیده و چشمان پر از امید مردم محل قرارگرفته بود افزود» مارکو اولین مکتب‌اش را در سال ۲۰۰۵ در قریه ارغوشه بند امیر، درحدود مرزی ولایت های سمنگان، سرپل و بامیان اعمارکرد، جایی‌که تا هنوز پای دولت در آن ننشسته است».

مارکو تا آن وقت که دَورش را کودکان دانش آموز حلقه زده بود و برای آنان قلم و کتابچه توزیع می‌کرد درحالی که لبخند از رضایت به لبانش موج می‌زد گفت» کمیته ارغوشه یک کمیته کوچک است که تنها ۴ نفرعضو دارد که همه اهل ایتالیا و اعضای یک خانواده هستند، ما این کمیته را ایجاد کردیم تا به دورترین جاها مکتب بسازیم».

وی یک نگاهی به آسمان آبی میان کاوک انداخته نفس راحت از ته دل کشیده افزود» خانواده ما و دوستم فلیپو با جمع آوری سِنت، سِنت دالر ازحدود چهل و پنجاه تن ازدوستانم که همه انسانهای خوش قلب اند و می خواهند دیگر انسانها را نیز خوب وخوش ببینند، تلاش می کنیم با ساختن مکتب خنده و شادی به لبان کودکان بامیانی بیاوریم».

خبرنگار سرسفید اشاره به کوه‌های سر به فلک کشیده بابا، بند پیتو، کوه عروس و دره‌های پرخم و پیچ بامیان نموده افزود» نام کمیته ما تنها قریه ارغوشه نیست؛ بلکه ارغوشه به معنای مکتب بسیار دورنیز است، یعنی کمیته مکتب های بسیار دور».

آقای مارکو پس ازیک مکث کوتاه ادامه داد» ما امروز به اینجا آمدیم تا یکبار دیگر دورترین مکتبی را که ساخته ایم به ریاست معارف، موسفیدان محل و دانش آموزانی که تا هنوز روی خاک و در دل آفتاب نشسته درس می خواندند تسلیم دهیم».

کاکا غلام حیدر یکی از موسفیدان قریه میان کاوک مشتاقانه می‌پرسد که تاکنون این خبرنگار پیر ایتالیایی چند مکتب در بامیان ساخته و چه تعداد دانش آموز در آن درس می‌خوانند؛ محمد ایوب امیری سرپرست معارف بامیان گفت:» این یازدهمین مکتب آقای مارکو و کمیته ارغوشه بود که امروز به بهره برداری سپرده شد».

امیری اول یک اشاره به گذشته معارف بامیان نموده سپس افزود:» مکتب های که پیش از این با کمک مالی خانواده مارکو ساخته شده عبارتند از ارغوشه، سرقل، کمیتی، جولا، چهارده، رسالت، زارین، دره علی، غورآب و سرسراب که همه بصورت پخته اعمار شده است. در این ۱۱ باب مکتب مجموعاً ۳۹۴۷ دانش آموز درس می‌خوانند و توسط ۱۱۴ آموزگار تدریس می شوند، بیشتر این دانش آموزان را دختران خورد سال تشکیل می دهند».

حسن بیک، مرد خوش قلبی از ولسوالی یکه ولنگ که حدود ۵۵ سال عمر دارد با کله اش اشاره به مرد سرسفید نموده گفت:» پیش از این من شنیده بودم که رشد و توسعه یک مملکت با رشد معارف آن سنجیده می شود، حالا دیدم هرجای که این آقا مکتب ساخت، بلافاصله در پهلوی آن سرک و کلنیک نیز اعمار شده است».

او با یک سرفه آهسته سینه اش را صاف نموده اشاره‌ای سوی بلندی های ارغوشه نموده افزود» تازمانی که در آن ساحه مکتب ساخته نشده بود، باشندگان آن به اندازه محروم بودند که حتا سرک بایسکیل‌رو هم نداشتند، اما پس از اعمار مکتب، مردم ارغوشه صاحب سرک، کلنیک، برق وچاهای آب صحی نیز شده اند».

بامیان ولایت آرام، دور ازخشونت دارای طبیعت دل انگیز و زیبا ست، مارکو که هرسال یکبار همراه خانواده اش جهت تسلیم دهی مکتب‌اش اینجا می‌آید گفت» همین امنیت، صلح‌جوی، مدنیت و زیبایی‌های این ولایت سبب شده که ما تاکنون بیش از یک میلیون و هشتصد هزار دالر آمریکایی را صرف مکتب سازی آن نموده ایم».

این درحالیست که اضافه بر۱۱ باب مکتب، پروژه های دیگر آقای مارکو در بامیان بورسیه فرستادن ۱۰ تن از دختران این مکاتب دردانشگاهای کابل، ایجاد چهار کتابخانه، ایجاد کورس‌های ارتقأ ظرفیت معلمین، کورس‌های سواد آموزی، کمپیوتر و انگلیسی، پروژه‌های گوسفندداری و پروگرام‌های توانمندی زنان بوده است که توسط مؤسسه شهداء تطبیق شده است».

اعمارمکاتب در دورترین نقطه های ولایت بامیان توسط یک خبرنگار خارجی و خانواده اش در ساحاتی تاهنوز ازدید دولت پنهان مانده بود، زمینه ساز دیگر پروژه های انکشافی مثل اعمارسرک، کلینیک، کانال‌های آب و دسترسی به برق و انترنت نیزشده است.

## کارتون روز

روزنامه افغانستان ما The Daily Afghanistan Ma
Daily Outlook AFGHANISTAN The Leading Independent Newspaper

❑بنیان‌گذار: داکتر حسین یاسا
❑مدیر مسوول: محمد رضا هویدا ۰۷۹۸۳۴۱۸۶۱
❑سردبیر: حفیظ الله زکی ۰۷۹۹۱۵۷۳۷۱
❑کاریکاتوریست: خالق علی‌زاده
❑دیزاین: علی‌اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
❑مسئول وب‌سایت: غلام عباس اصلان
❑آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۷- ۱۳۷

روزنامهٔ‌افغانستان‌ما از همهٔ دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می‌نماید.
هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد.
مقالات وارده بازگردانده نمی‌شود.
مسئولیت مقالات به عهدهٔ نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیانگر دیدگاه روزنامه افغانستان می‌باشد.

www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com